پدیده‌های بی‌نظیری به نام «سنگر خیابان» و «جان‌فدا»

کامران پورعباس

«سنگر خیابان» و «جان‌فدا» پدیده‌های بی‌نظیری هستند که دستاوردهای عظیم و شگفت‌انگیز و بی‌مانندی داشته و جلوه‌های ناب و استثنایی و بی‌سابقه‌ای از عزت و اقتدار و اتحاد را در برابر دیدگان جهانیان به نمایش گذاشته‌اند.

اخیراً، از یک سو دویستمین شب تجمعات شبانه و حفظ سنگر خیابان را شاهد بودیم و از سوی دیگر تعداد داوطلبان و شرکت‌کنندگان در پویش جان‌فدا (اعلام آمادگی مردم ایران جهت نقش‌آفرینی مؤثر در مقابله با دشمن آمریکایی صهیونیستی و دفاع از ایران اسلامی) از ۳۰ میلیون نفر گذشت و رزمایش بزرگ جان‌فدای ایران در روز جمعه ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ با حضور گردان‌های رزمی پویش جان‌فدا و اقشار مختلف مردم در تهران با رژه ۳۱۳ هزار نفری و همزمان در سراسر کشور برگزار شد.

به همین مناسبت نظرات اقشار مختلف مردم در سراسر کشور در مورد پدیده‌های بی‌نظیرِ «سنگر خیابان» و «جان‌فدا» را جویا شدیم که در این گزارش گزیده‌ای از این اظهارنظرها را از بازگو می‌نماییم.

یک هم‌اندیشی بزرگ که عصاره تمام خوبی‌هاست

آقای سید ابراهیم میرسالاری فرزند شهید سید عزیزالله میرسالاری از شهرستان اسلامشهر در استان تهران: «امشب، خیابان‌های ایران فقط شاهد یک تجمع نیستند؛ این‌جا صدای ملتی است که در روزهای سخت، پرچم ایران و آرمان‌های انقلاب اسلامی را زمین نمی‌گذارد. ما ایران را با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم؛ نظامی که به دست معمار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) بنیان نهاده شد و با رهبری امام شهید حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای تثبیت و استوار گردید و امروز با تمام وجود بر این باوریم که پرچم این انقلاب به دست حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به اهتزاز درآمده و این انقلاب با رهبری ایشان با عزت، اقتدار و صلابت به سوی قله‌های پیشرفت و سربلندی حرکت خواهد کرد.»

خانم معصومه پورقصاب خواهر گرامیِ شهید پهلوان غلامحسین پورقصاب از فیروزآباد فارس: «به نام خدای حسین(ع). حسینی که مرگ با شرافت را بر زندگی با ذلت ترجیح داد. خیابان واژه‌ای که دویست شب پیاپی با روح و جسم این مردم فهیم و نستوه عجین گشته. خانه دومی که گوش شنوای درددل مردم داغدار رهبر عزیز و پدر فداکارشان است. میدانی که انگار با عبور از مین‌هایی از جنس طعنه و مسخره کردن‌های کج‌فهم‌ها محل تجمع مردمانی از جنس نور شده است. مکانی برای عبادت، برای همدلی و برای تجدید پیمان با آرمان‌های شهیدان و رهبر شهید آزادگان جهان بدل شده است. یک هم‌اندیشی بزرگ است که لرزه بر دل منافقان کوردل می‌اندازد که در خیال خام خود، فکر برپایی جنجال‌ها و تکرار اغتشاشات و ناامن کردن جامعه را دارند. مکانی برای عزاداری و حتی برگزاری برخی جشن‌ها و مناسبت‌ها و وطن‌پرستی و خلاصه عصاره تمام خوبی‌هاست و دغدغه‌مندی خواص معتقد و مردمان یکدل و متحد که با اشعار توحیدی و برگزاری موکب‌ها چونان ۸ سال دفاع مقدس در پشت جبهه فعالیت دارد. از خرد و کلان، پیر و جوان در هر لباس و موقعیت و جایگاه اجتماعی، همه در کنار هم سربازان گمنام دفاع از وطن و شریعت هستند تا راه را بر خفاشان و کفتارهای سیه‌دل و سلطنت‌طلب‌ها و تجزیه‌خواهان ببندند و نور امید را تا ظهور حضرت عشق بر دل‌ها بتابانند.»

خانم زینب سادات میرجعفری از تهران: «آنچه این کشور را در برابر طوفان‌های سهمگین بدخواهان سرپا نگه داشته، نه ابزارهای متعارف قدرت، بلکه سرمایه عظیم انسانی است؛ ظرفیتی که هیچ کشوری به آسانی به آن دست نمی‌یابد و کشور ایران هم با وجود رهبری عزیزمان به آن دست یافته.

برای دشمنان خارجی و منافقین داخلی که در پی تفرقه و نفوذ هستند، این شب‌زنده‌داری‌های مقتدرانه پیامی صریح و بی‌پرده دارد: مردم پای ارزش‌های خود ایستاده‌اند و هیچ شکافی میان آنان و جبهه مقاومت نیست. ما تا گرفتن انتقام خون رهبر عزیزمان و هزاران کودک و زن و مرد در این رزمایش خواهیم ماند.

شرکت در تجمعات شبانه وظیفه دینی هر فرد مسلمان است. شرکت در تجمعات نمایش وحدت و ولایت‌پذیری و انسجام جامعه مؤمن است و پیام بیداری ملت را به دشمن مخابره می‌کند.»

خانم سیده فرشته محمدی از شیراز: «به نظر من، برگزاری تجمعات شبانه و حضور مردم در سنگر خیابان، جلوه‌ای از همبستگی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و حضور فعال مردم در صحنه است. این تجمعات نشان می‌دهد که مردم همچنان نسبت به حفظ امنیت، آرامش و ارزش‌های انقلاب اسلامی احساس تعهد دارند. استمرار این حضور، موجب تقویت روحیه امید، اتحاد و همدلی میان مردم شده و می‌تواند به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم نظام در زمینه مشارکت اجتماعی و حفظ انسجام ملی مورد توجه قرار گیرد. همچنین باعث میشه دشمن متوجه اتحاد و همدلی مردم بشه.»

زمینه‌سازی برای ظهور منجی جهان

حجت‌الاسلام قاسم علیمحمدی معاون آموزش و فرهنگ بنیاد مهدویت استان البرز:

«تجمعات امت مبعوث تا زمانی که رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) صلاح بدانند باید ادامه پیدا کند. چقدر خوب است که این تجمعات مرکز دفاع از کیان کشور عزیزمان است.

جان‌فدا مهم‌ترین بخش مسئولیت امت مبعوث می‌باشد چرا که در محاسبات حقیقی دشمن بسیار حائز اهمیت و بازدارنده است. دشمن خود را در رویارویی با ۳۰ میلیون جان‌فدا قطعاً شکست‌خورده می‌بیند.

پویش جان‌فدا و وجود بیش از ۳۰ میلیون افراد شجاع، غیور، مؤمن و متعهد در این برهه زمانی یکی از ثمرات خون مطهر رهبر شهید (رحمت‌الله علیه) است که علاوه بر اینکه دشمنان این مرز و بوم را از تعدی و تجاوز به این کشور ناامید می‌کند، بلکه می‌تواند یکی از بسترها و شرایط مهم برای ظهور منجی جهان امام زمان (عجل الله) را رقم بزند، ان‌شاءالله.»

سیدعلی جیواد از شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی:

«دویست شب! زن و مرد و کودک، در سرما و گرما، زندگی را رها کردند و پرچمداران ایران اسلامی را بر عهده‌دارند. این گردهمایی‌ها، که بر پایه ایمانی خودجوش و احساس تکلیف جمعی شکل می‌گیرند، سیستم ایمنی اجتماعی را در برابر جنگ ترکیبی دشمن (به ویژه جنگ نرم) ایجاد کرده و به طور همزمان، فرآیند کادرسازی و آماده‌سازی نیروی انسانی برای عصر ظهور را به صورت عملی به پیش می‌برند...

در بستر تجمعات شبانه، مسائل مختلف سیاسی و فرهنگی روز با زبان دین و گفتمان انقلاب اسلامی برای توده مردم تبیین می‌شوند. شبهاتی که توسط رسانه‌های دشمن به طور گسترده پمپاژ می‌شوند، در این فضا پاسخ داده شده و مرزهای جبهه حق و باطل شفاف می‌گردد.

در مجموع تجمعات شبانه مردمی، به تنهایی نهاد تربیتی و بصیرتی سیار و خودجوش هستند که با شارژ مداوم معنویت، بازتولید گفتمان انقلابی، ایجاد همبستگی اجتماعی، افزایش بصیرت سیاسی و تمرین عملی مسئولیت‌پذیری، به طور مستقیم به حراست از آرمان‌های انقلاب اسلامی در برابر پیچیده‌ترین تهدیدها می‌پردازند. این کارکردها، در نهایت، منجر به پرورش نسلی می‌شود که از نظر فکری، روحی و عملی، شایستگی و آمادگی لازم برای ایفای نقش در حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) را کسب کرده است.»

سرودهٔ آقای مسلم فریور پور در وصف سنگر خیابان:

از دل منزل به سمت یک خیابان می‌رویم
ما به عشق سرزمین پاک ایران می‌رویم
شد مقدس این خیابان، با وضو وارد شوید
چون که با اذکار یارحمان و سبحان می‌رویم
ریخته در این خیابان خون سرخ لاله‌ها
مکتب عشاق در راه شهیدان می‌رویم
گفت میدان هست با ما، این خیابان با شما
در غم سید علی باچشم‌گریان می‌رویم
روزی آخر می‌رسد آن وعدهٔ عشق ظهور
یوسف گمگشته باز آید به کنعان می‌رویم
در خیابان آیه‌های رستگاری شد نزول
با نوای حاج صادق، جان‌نثاران می‌رویم
خشم‌ماچون‌شدمقدس‌ضامن‌پیروزی‌است
زیر بمب و موشک و تهدید، با جان می‌رویم
این خروش آتشین ما تماشایی شده
تا شود تسلیم آمریکای شیطان می‌رویم
ما برای محو اسرائیل از این روزگار
رو به سوی عنکبوت سست بنیان، می‌رویم
این قرار آخر ایران جان، قدس است و بس
با دعا و استغاثه ما رجزخوان می‌رویم
تا بیفتد از نفس این عوعو سگ‌های شان
با شجاعت تا دل صهیون به جولان می‌رویم
خون گنجشکان مینابی به ناحق ریختند
از برای انتقام آن دبستان می‌رویم
در دل کوه، قوم لر، برنو به دستان را ببین
عشق میهن در دل ما، زیر باران می‌رویم
یک حسینی با یزیدی اهل بیعت نیست، نه
ما به عشق حاج قاسم مرد میدان می‌رویم
ما به عشق تنگسیری، پاکپور و باقری
همچوحاجی‌زاده‌هاچون‌موج‌طوفان‌می‌رویم
چون غبار فتنه را باید زدود از قلب‌ها
در دل شب بهردفع مکر پنهان می‌رویم
ما به دست یاری اهریمنان گفتیم نه
تا که دشمن کاملاً گردد پشیمان می‌رویم
عمر با ذلت کجا و مرگ با عزت کجا
ما برای جان نثاری بی‌فراخوان می‌رویم
قبله عالم چو ایران شد، جهان دورش طواف
ما به یاد پادشاه دل، رضا جان می‌رویم

ایرانی، مثل کوه پشت وطنش است

خانم زهرا شریف‌زاده از شهرستان کاشان بخش لتحر:

«رهبر شهیدم همیشه از اتحاد و همدلی ملت سخن می‌گفت، از زمان نخستین روز حادثه، این اتحاد در سنگر خیابان تجلی پیدا کرد. ۲۰۰ شب مردم از سنگر خیابان حمایت کردند تا سید مجید موسوی کارش در سنگر حماسه و نبرد آسان‌تر باشد.

بهترین ثمره تجمع، اتحاد بیشتر ملتِ امام خامنه‌ای و ناامیدی تجزیه‌طلبان است.

شعار وحدت، شعار اقتدار و امنیت در سنگر خیابان از هر موشک و پهپاد بیشتر دل دشمن آمریکایی-صهیونیستی را به لرزه انداخته و این لرزش تا پیروزی حق علیه باطل ادامه خواهد یافت.

دشمن در ژرفای قلبش تکرار کند: دیوارهای اتحاد و همدلی ملت امام خامنه‌ای عزیز محکم‌تر از همیشه شده است.

دشمن در سنگر خیابان دید که مردم همچنان گوش به فرمان فرمانده کل قوا هستند. مردم همه جان‌فدا شدند تا در سنگر حماسه منتقم خون شهدا باشند. رهبر شهیدم گفته بود مردم مبعوث خواهند شد. به خواست خداوند، هیچ کس توان مقابله با امت شهید سیدعلی را ندارد. فتح قریب است.»

خانم زینب شماخی از روستای نجم‌آباد در شهرستان نظرآباد در استان البرز:

«این حضور خیابانی پرشورِ دویست و اندی» که از دل مردم به صورت شبانه جوشید، فقط یک جمع شدن ساده نبود؛ یک پیام روشن به همه‌ی کسانی بود که فکر می‌کردند می‌شود ایران را در محاسباتشان یک‌طرفه حساب کنند.

مردم با همهٔ سختی‌ها و فشار زندگی، پای انقلاب، نظام و پشت رهبرشان ایستادند و نشان دادند که این سرزمین با مردمش گره خورده.

این حضور هم اقتدار داخلی ما را محکم کرد و هم به دشمن فهماند که با این مردم نمی‌توان به این راحتی‌ها معامله یا زورآزمایی کرد.

و خلاصه اینکه ما ثابت کردیم ایرانی، مثل کوه پشت وطنش است و وقتی رهبرش می‌گوید خیابان‌ها را خالی نکنید، به فرموده رهبرش با لبیک «سمعاً و طاعتاً» عمل می‌کند.

و در ادامهٔ همین ایستادگی، «پویش جان‌فدا» چونان زبانی گویا از دل ملت برخاست؛ میلیون‌ها دل عاشق که نام خود را بر دفتر فداکاری میهن ثبت کردند و با هر امضا، عهدی دوباره با خاک و خونِ این سرزمین بستند. این پویش، تنها یک نام‌نویسی نبود؛ ترجمانِ عینیِ همان روحی بود که در خیابان‌ها جاری شد؛ روحی که می‌گفت: «جانِ ما، فدای ایران» و این‌گونه، رژهٔ مردمی جان‌فدایان، فصلی تازه از همان حماسه ایستادگی را در دفتر افتخارِ این ملت گشود، ملتی که هر بار تاریخ به آزمونش خوانده، سربلند و استوار پاسخ داده است.»

ملت مبعوث، معجزه رهبر شهیدمان

خانم مرضیه موسوی از شهرستان رامهرمز: «همه کسانی که در تجمعات شرکت می‌کردند بارها افرادی را در این تجمعات دیدند که باعث تعجب و در عین حال تحسین آنها می‌شد. از آن پیرزن یا پیرمردی که در حالات عادی راه رفتن و حتی حرکت کردن برای‌شان خیلی سخت بود اما با شور و شوق وصف‌ناپذیری عصازنان در این تجمعات شرکت می‌کردند، یا آن ویلچرنشینی که با چندین مریضی جسمی با پشتکاری وصف‌ناپذیر شرکت می‌کرد، یا آن کارگری که نان شبش را به سختی به دست می‌آورد اما پرچم به دست در این تجمعات شرکت می‌کرد... چه کسی به آنها گفته است به خیابان بیایید؟ چه نصیب مادی به آنها تعلق گرفت چه رفاهی به آنها وعده داده شد؟ تنها یک چیز وجود دارد: مبعوث شدن. آری این مردم همانند انبیا مبعوث شدند تا با وجود مشکلات بسیار اما پای دین خدا و ولی خدا و حکومت دین خدا بمانند و آن را از فتنه‌های اشرار داخلی و خارجی حفظ کنند.

اگر خداوند برای ابراهیم(ع) معجزه کرد و آتش را بر او سرد و خاموش کرد، اگر برای موسی(ع) معجزه کرد و دریا را شکافت، اگر برای عیسی(ع) معجزه کرد و مردگان را زنده می‌کرد. برای رهبر عزیز ما معجزه کرد و این مردم را مبعوث کرد.

درود و صد رحمت خدا و ملائک بر آقای شهید ما سیدعلی خامنه‌ای که چه زیبا فرمودند:

«چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابلهٔ با حوادث و کار را مردم تمام خواهند کرد» (۱۴۰۴/۱۱/۱۲).

آری این مردم همانند انبیا مبعوث شدند تا با تکیه بر ایمان خود به خیابان‌ها بیایند و با حضور خود عرصه را بر فتنه‌گران، اغتشاشگران و تجزیه‌طلبان تنگ کنند و کشورهای متجاوز جنایتکار را در غضب خاک عزیزمان و براندازی نظام اسلامی ناکام بگذارند.»

خانم لیلاصالحی مرزیجرانی از اراک: «اهمیت موضوع تجمعات از تأکید رهبری معظم و همچنین مقامات امنیتی دربارهٔ ادامه داشتن این تجمعات مشخص میشه.

به نظرم تجمعات در میدان بیش از توان نظامی ما دارای اهمیت است و شخص بنده حضور در تجمعات رو به نیت تعجیل در ظهور صاحب الزمان و به نیابت از تمام کسانی که در طول تاریخ درراه حق جنگیدند به خصوص رهبر شهیدمون و پدر و مادرم انجام میدم. اللهم عجل لولیک الفرج.»

خانم فاطمه فرجی از قم: «در مورد اهمیت و دستاوردهای این نوع اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نمایش قدرت جمعی و اراده مردمی: تجمعات شبانه به دلیل فضای خاص خود، نمادی از جسارت و اراده است. وقتی مردم در ساعاتی که معمولاً زمان استراحت است، در خیابان‌ها جمع می‌شوند، به دنیا و به تصمیم‌گیرندگان نشان می‌دهند که مسئله مورد نظر آن‌ها تا چه حد حیاتی و اضطراری است و آمادگی دارند برای تغییر یا حمایت، از آسایش خود بگذرند.

۲. ایجاد حس همبستگی و شکستن انزوای فردی:

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای «سنگر خیابان»، این است که فرد متوجه می‌شود در افکار و دغدغه‌هایش تنها نیست. دیدن هزاران نفر که همان شعارها را سر می‌دهند یا همان اهداف را دنبال می‌کنند، باعث تقویت روحیه، افزایش اعتمادبه‌نفس اجتماعی و تبدیل «من» به «ما» می‌شود. ما تا جان در بدن داریم سنگر خیابان را به فرمان رهبر انقلاب ترک نمی‌کنیم و همواره بر دهان دشمنان مشت میزنیم.»

مردم ما در تمام دنیا بی‌نظیر هستند

آقای پورعباس از رجایی‌شهر کرج: «حال و هوای شب دویستم تجمعات شبانه در محله ما بسیار خاص و پرشور بود. موکبی که در ابتدای مسیر راهپیمایی قرار داشت، به مناسب دویستمین حماسه حضور مردمی از ساعت ۱۷ تا ۲۴ پذیرایی و پرچم‌گردانی داشت. تجمع شبانه هم که از ساعت ۲۰ شروع شد بسیار گسترده و پرشور بود و مردم احساسات ویژه و پاک‌شان به مناسبت دویستمین حماسه‌آفرینی‌شان را از صمیم قلب و اعماق جان و ژرفای وجود فریاد می‌زدند و دست‌نوشته زیبا و پرمضمونی در میان جمعیت می‌درخشید و جلوه‌نمایی می‌کرد و انگار حرف‌دل همه مردم ایران در دویستمین حرکت معجزه‌گون‌شان بود که: «۲۰۰ روز گذشت، ما همان مردم روز اولیم.»

خانم رؤیا محرابی از شهرستان اسلامشهر در استان تهران: «تجمعات یعنی عشق، یکدلی، همصدا و هم‌نفس شدن، غیرت خونخواهی رهبر شهید و میثاق با رهبرم. تجمعات یعنی همدرد شدن باهمهٔ جامعه، دلبستگی مشترکِ بی‌پایان، بیرون آمدن در دل شب.

تجمعات همان عشق و حب وطن‌دوستی است که ترس و واهمه نمی‌شناسد و مردم با حضورشان، خیابان‌ها را با عطر و بوی اتحاد، معطر می‌کنند و رسیدن به آمال را فریاد می‌زنند و ثابت می‌کنند که افکار پلید شیطانی در مورد کشور ما نتیجه‌ای ندارد و ما ایرانیان ارزش و اصالت پایدارمان را با وعده‌های دروغ عوض نمی‌کنیم. ملت ما قهرمان هستند و ندای پایداری و مقاومت را با حضور سر می‌دهند.

اعتقاد داریم که درخت تنومند انقلاب اسلامی تا ابد باید سرسبز باشد و قطورتر شود. مردم ما گنجی هستند که در تمام دنیا بی‌نظیرند برای آنکه عشق به پرچم و میهن در قلب‌شان حک شده است.»

انتشار برای نخستین بار

دست‌نوشته شهید سپهبد موسوی در بازدید از موزه جنگ ارتش در بروجرد

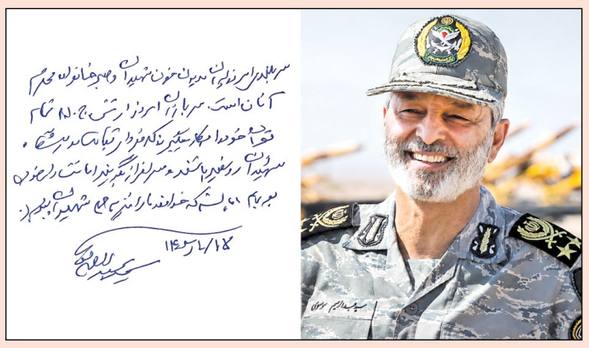

شهید سپهبد سید عبدالرحیم موسوی:

«سربلندی امروز ایران مدیون خون شهیدان و صبر خانواده محترم آنان است. سربازان امروز ارتش ج.ا.ا (جمهوری اسلامی ایران) تمام توان خود را به‌کار می‌گیرند که فردای قیامت در پیشگاه شهیدان روسفید باشند و سرافراز بگویند امانتدار خوبی بودیم، باشدکه خداوند ما را نیز به جمع شهیدان بپذیرد.»

نقدی بر فرایند جدایی بحرین و نسبت آن با تمامیت ارضی ایران

دکتر محمد رسولی

موضوع بحرین، صرفاً یک بحث تاریخی یا احساسی نیست؛ بلکه مسئله‌ای چندلایه در قلمرو «حقوق عمومی»، «حقوق بین‌الملل» و «حافظه تاریخی ملت ایران» است. آنچه در سال ۱۳۴۹ رخ داد-فارغ از روایت‌های رسمی و ملاحظات سیاسی آن دوره-از حیث مبانی حقوقی و تشریفات لازم برای تغییر سرزمین، قابل نقد جدی است؛ نقدی که اگر با منطق حقوقی و استناد روشن مطرح شود، می‌تواند به بازخوانی منصفانه‌تر یکی از حساس‌ترین رخدادهای معاصر یاری رساند.

۱) تمامیت ارضی، امر ملی است نه محلی

در حقوق عمومی، سرزمین جزء ارکان بنیادین «کشور» است. تغییر در سرزمین-اعم از واگذاری، تجزیه یا پذیرش استقلال یک بخش-امری نیست که صرفاً با خواست یک جمعیت محلی و بدون طی تشریفات صلاحیت‌دار در سطح حاکمیت ملی تحقق یابد. حتی اگر «اراده مردم» را عنصر مهمی بدانیم، اراده مردم به‌تنهائی جایگزین «سازوکار قانونیِ تغییر مرزها» و «تصمیم نهادهای صالحِ کشور» نمی‌شود.

از همین زاویه، این گزاره که «هر جزء کشور می‌تواند تنها با تصمیم مردم بومی جدا شود»، دست‌کم در چارچوب حقوق عمومی ایران (و اصول کلاسیک حقوق دولت‌ها) گزاره‌ای قابل پذیرش نیست. موضوع سرزمین، متعلق به همه ملت است و تصمیم درباره آن باید در چهارچوب قواعد حاکم بر حاکمیت ملی اتخاذ گردد.

۲) اشکال در احراز اراده مردم بحرین

یکی از مبناهای اصلیِ تصمیم سیاسیِ رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۹، «احراز خواست مردم بحرین» بود. با این حال باید توجه داشت که سازوکارِ به‌کاررفته، به معنای دقیق کلمه «همه‌پرسی عمومی، آزاد، مخفی و رقابتی» نبود. در آن فرآیند، گزارش یک مقام مأمور از سوی سازمان ملل مبنا قرار گرفت؛ گزارشی که به‌دلایل متعدد می‌تواند از حیث روش احراز اراده عمومی مورد نقد قرار گیرد: از جمله نبود صندوق رأی فراگیر، نبود رقابت سیاسی آزاد، و امکان تأثیرگذاری قدرت‌های مسلط در محیط آن روز.

از این‌رو، ادعای اینکه «اکثریت واقعی مردم بحرین خواهان جدایی بودند» دست‌کم نیازمند اثبات دقیق‌تر و سازوکار روشن‌تری است و در مقابل، این نظر نیز قوت می‌گیرد که بخش مهمی از مردم اصیل و تاریخی بحرین-که از نظر مذهبی عمدتاً شیعه‌اند و از حیث پیوندهای تبارشناختی و فرهنگی با کرانه‌های ایرانی خلیج‌فارس ارتباط عمیق دارند-لزوماً چنین خواستی نداشته‌اند.

۳) مخالفت نمایندگان مجلس؛ نشانه مناقشه و فقدان اجماع

در همان زمان نیز شماری از نمایندگان مجلس با جدایی بحرین به‌شدت مخالفت کردند. این مخالفت‌ها نشان می‌دهد که موضوع، حتی در سطح نهاد قانون‌گذاری آن دوره نیز یک امر بدیهی و اجماعی نبوده و ایرادهای مهمی به مبانی، مصالح و سازوکار تصمیم‌گیری وارد می‌دانسته‌اند. گرچه مخالفت اقلیت، به‌تنهائی موجب بطلان یک تصمیم نمی‌شود، اما از منظر حقوق عمومی یک قرینه مهم است: قرینه‌ای بر اینکه «تصمیم درباره سرزمین» با مناقشه جدی همراه بوده و دست‌کم باید با نهایت دقت و طی همه تشریفات قانونی انجام می‌گرفت.

۴) گره اصلی: تشریفات تقنین و نبود «توشیح» مقام عالی کشور

مهم‌ترین نکته حقوقی در نقد فرآیند جدایی بحرین، مسئله «تشریفات لازم برای قانون شدن مصوبات» در نظام حقوقی وقت است. مطابق قانون اساسی حاکم بر ایران در نظام مشروطه، مصوبات تقنینی برای تبدیل شدن به «قانون لازم‌الاجرا» نیازمند طی مراحل مقرر بوده‌اند؛ از جمله مرحله نهائی که در اصطلاح حقوقی آن دوره «توشیح همایونی» نام داشته و نقش تکمیل‌کننده فرآیند تقنین را ایفا می‌کرده است.

بر این مبنا، اگر تصمیم مربوط به بحرین در قالب «مصوبه‌ای با آثار تقنینی» تلقی شود، بدون تحقق آن تشریفات نهائی، بحث جدی شکل می‌گیرد که آیا اساساً یک «قانون کامل‌شده» پدید آمده است یا خیر. به بیان روشن: اگر مصوبه‌ای مسیر قانونی لازم برای لازم‌الاجرا شدن را طی نکرده باشد، از منظر حقوق عمومی داخلی نمی‌توان آن را «مبنای قطعی برای اسقاط ادعای حاکمیت و تغییر سرزمین» دانست.

از همین رو، این استدلال طرح می‌شود که جدایی بحرین، از جهت حقوق عمومی داخلی، دست‌کم با یک نقص بنیادین مواجه بوده و به‌همین سبب، دعوای حقوقیِ «انفصال کامل و قطعی» محل تردید جدی است.

۵) تفکیک میان «وضعیت حقوقی» و «وضعیت اعمال حاکمیت»

البته باید میان دو مقوله تفکیک کرد: نخست «ادعای حقوقی و مشروعیت داخلیِ فرآیند»، و دوم «وضعیت اعمال حاکمیت در عالم واقع».

ممکن است کشوری در مقطعی اعمال حاکمیت بر بخشی از سرزمین را از دست بدهد، اما این امر همیشه به معنای سقوط قطعی حق یا زوال کامل ادعا از منظر اصول حقوق عمومی داخلی نیست؛ به‌ویژه اگر فرآیند اسقاط یا انتقال، از حیث شکل و صلاحیت دچار ایراد باشد.

جمع‌بندی

بازخوانی پرونده بحرین، دعوت به تنش یا شعار نیست؛ دعوت به دقت حقوقی و تاریخی است. پیوندهای کهن بحرین با ایران، جایگاه تمامیت ارضی به‌عنوان امر ملی، اشکالات وارد بر سازوکار احراز اراده عمومی، مخالفت‌های جدی در همان زمان، و مهم‌تر از همه مسئله تشریفات تقنین و «توشیح» در نظام حقوقی وقت، همگی نشان می‌دهد که روایت «قانونی و بی‌چالش بودن جدایی بحرین» قابل پذیرش ساده‌انگارانه نیست.

اگر قرار است تاریخ سیاسی معاصر ایران به سود آینده بازخوانی شود، باید با زبان حقوق، با احترام به اسناد، و با حساسیت نسبت به مبانی حاکمیت ملی سخن گفت و پرونده بحرین یکی از روشن‌ترین مصادیق ضرورت چنین بازخوانی‌ای است.

در پایان بار دیگر یادآور می‌شویم که ممکن است کشوری در مقطعی اعمال حاکمیت بر بخشی از سرزمین را از دست بدهد، اما این امر همیشه به معنای سقوط قطعی حق یا زوال کامل ادعا از منظر اصول حقوق عمومی داخلی نیست؛ به‌ویژه اگر فرآیند اسقاط یا انتقال، از حیث شکل و صلاحیت دچار ایراد باشد.